



Understanding the nature of contemporary architectural space in the heritage of Iran based on investigating the lyrical space (obvious and hidden space) of Hafez's poetry

ARTICLE INFO

Article Type

Analytic Study

Authors

Hiva Rahmani¹

Mohammad Reza Pourzargar^{*2}

How to cite this article

Rahmani H, Pourzargar MR, Vafamehr M. Understanding the nature of contemporary architectural space in the heritage of Iran based on investigating the lyrical space (obvious and hidden space) of Hafez's poetry, 2024 Mach 24 14(1):35-47

<https://doi.org/10.1001.1.23224991.1403.14.1.3.7>

1. PhD Candidate of Architecture, Department of Architecture, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.
2. Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

*Correspondence

Address: Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

Email:

moh.pourzargar@iauctb.ac.ir

Phone: -

Article History

Received: 2022/07/19

Accepted: 2022/08/02

Published: 2024/03/24

ABSTRACT

Aims: Technological development, organization of space based on functional approaches and modern visual modeling have led to the emergence of mold products in the urban landscape of contemporary Iran, dealing more with physical requirements and visual effects. In late architecture, however, there are manifestations of human themes in relation to the space which are due to the existence of a bond between architecture and literature. In order to re-establish such a bond, this article seeks to investigate "Hafez's Lyrical Space" to reexamine the concept of space in architecture.

Methods: The space of Hafez's poetry is interrelated with man's experience so in its relation with human experience and phenomenological studies. This study is informed by Phenomenological methodology. In order to recognize human experiences germane to Hafez's lyrical space and to understand the concept of space, this article has investigated human experiences of a number of professionals in different fields.

Findings: The findings suggest that the concept of "Hafez's Lyrical space" is constantly intertwined with human embodiment (body-mind) in his poetry, so human being becomes meaningfulness in lyrical space and vice versa. This space appears with the presence of human embodiment in a multifaceted dialectical relationship, i.e. visible and invisible layers, separate from a concentration and centralization on human or other phenomena.

Conclusion: Based on the concepts extracted from mediating, multidimensional and embodied lyrical spaces of Hafez's poetry which were considered with unique connection with human, the process of formation of lyrical spaces embodied in contemporary urban landscape and architecture emerged.

Keywords: Hafez lyrical space, Phenomenology, Human embodiment, mediating space, Space perception, Human presence

CITATION LINKS

- [1] Pallasmaa, J. The Embodied Image: Imagination and ... [2] Falamaki, M. M. Principles and Reading of Iranian Architecture. Tehran,... [3] Soltani, S. & Kirci, N. Phenomenology and Space in Architecture: Experience, Sensation ... [4] Pallasmaa, J. Architecture as Experience: The Fusion of the World and the Self. Architectural ... [5] Cho, J. S. A Study on the Experiential Space Concept and the Expression Method in Contemporary ... [6] Amini, M. R. Some Incidents of Imperceptible Artistic Devices in the Poetry of Sa'di... [7] Moazami, M. The Instructor's Interpretation of Space and Its Influence on... [8] Shengli, L. I. U. "Merleau-Ponty's Phenomenology of Space". In The 3rd BESETO ... [9] Goldman, A. Merleau-Ponty and an Ethics of Space. Research in Phenomenology ... [10] Zevi, B. Architecture as Space; How to look at Architecture ... [11] Eisenman, p. Iturbe, E. Lateness (Translated by Nikfetrat M. and Eshghi Sanati H Persian). [12] Mostaghni, A. The concept of space in The View of Vatsuji Tetsuro, ... [13] McCarthy, E. The Space of The Self: An analysis of The Notion of Subjective Spatiality ... [14] Shirazi, M. An Investigation on Tadao Ando's Phenomenological ... [15] Soni, A. K. & YR, B. A. I. Understanding The Poetic of Architecture. Guru ... [16] Kim, J. S. A Study on the Sensory Experience Space Connected to Light, Material... [17] Zumthor, P. Phenomenological Approach in The Thought of Peter Zumthor ... [18] Pallasmaa, J. Space, Place and Atmosphere. Emotion and Peripheral ... [19] Moein, M. Persian Dictionary. Tehran: Amir Kabir, vol. 1. 1106, 1985. [Persian]... [20] Modarresi, F. Mehravar Giglou, G. A Review on the Modern Romantic Lyricism and its Follower Poets... [21] Akbarpour, A. The Paradox of Humor and lyricism. Saadiology. 2019 Spiring; 7: 116-124. [Persian]... [22] Daneshpajouh, M. Masnavi and Ghazal Two Arenas for Manifestation of Persian Poetry ... [23] Abdullahi, M. Vertical Connection and Semantic Coherence in Hafez's Sonnets, Social Sciences and Humanities ... [24] Moya, P. Habit and Embodiment in Merleau-Ponty. Front. Hum. Neurosci ... [25] Hale, J. Merleau-Ponty for Architects. London; New York... [26] Merleau-Ponty, M. The World of Perception ... [27] Merleau-Ponty, M. The Visible and The Invisible: Followed by Working Notes ... [28] Nitsche, M. The Invisible and the Hidden within the Phenomenological Situation ... [29] Boudlaie, H. Phenomenological Research Methods. Tehran: Jameshenasan ... [30] Panjtani, M., Mansourian, J. and Mobini, M. Phenomenology of Tthe Aesthetic Experience...

که بر این اساس مدل چگونگی فضاهای تغزلی و مجسم در سیمای شهری و معماری ایران معاصر شکل گرفت.

کلمات کلیدی: فضای تغزل، حافظ، پدیدارشناسی، انسان بدن‌مند، فضای میانجی، ادراک فضا، حضور انسان.

مقدمه

دنیای ارتباطات شتابان امروز و تولید تصاویر بی‌پایان [۱] در معماری معاصر ایران موجب فقدان پیدایش فضاهای خیال‌انگیز و بروز نوعی تصاویر سلطه‌جو در محصولات معماری قالبی و کالبدی به‌دوراز ریشه‌های غنی درون‌مرزی شده است (شکل ۱). این در حالی است که انسان معاصر در ارتباط با فضاهای معمارانه گذشته، با مقوله «فضا» به‌عنوان یک اثر هنری که صرفاً موظف به برطرف کردن نیازهای جسمانی و فیزیکی نبوده روبرو می‌شود. در این مواجهه جلوه‌هایی از «احساسات و تجربه‌های انسانی» و «رنگ تعلق فضایی» ملاحظه می‌گردد که با روح و روان آدمی ارتباط برقرار می‌کند. محصول این معماری گذشته برخلاف آنچه امروز در سیمای شهرهای معاصر ایران مشاهده می‌شود، به‌گونه‌ای است که از کوچک‌ترین اجزاء: بافت، رنگ، شکل، همگی به مثابه‌ی یک «شعر مجسم» پدیدار گشته است. این انسجام شاعرانه و پیوند یگانه میان پدیده‌های مختلف در معماری گذشته و سیمای شهرها دلالت بر پیوند روحی غنی میان معمار ایرانی و ادبیات دارد به‌گونه‌ای که در گذشته معماران خود ادیب و ادیبان نیز خود معمار بودند [۲]. یگانگی معماری و ادبیات موجب شده که کیفیت معماری و سیمای شهری حاصل از پیوند با ریشه‌های ادبی تنها به صحنه‌سازی‌های بصری تقلیل نیابد از این‌رو ضرورت است چگونگی تدوین روح شاعرانگی در ارتباط با ماهیت فضا مورد تأمل قرار گیرد.

بازشناخت ماهیت فضای معماری معاصر در میراث ایران زمین براساس خوانش فضای تغزل (فضای آشکار و پنهان) شعر حافظ

هیوا رحمانی^۱، محمدرضا پورزرگر^{۲*}

۱- دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی،

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

۲- دکتری معماری، استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و

شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران،

ایران. (نویسنده مسئول)

چکیده

اهداف: توسعه فناوری و سازمان‌دهی فضاها براساس نگرش‌های عملکرد گرا و صحنه‌سازی‌های بصری مدرن موجب بروز محصولات قالبی در سیمای شهری ایران معاصر شده که بیشتر به نیازهای فیزیکی و جلوه‌های بصری پرداخته است. در مواجهه با معماری گذشته به دلیل وجود پیوند روحی میان معماری و ادبیات، جلوه‌هایی از مضامین انسانی در ارتباط با فضا ملاحظه می‌شود. به‌منظور برقراری مجدد این پیوند خوانش «فضای تغزل حافظ» به‌منظور بازشناخت مفهوم فضا موردتوجه قرار گرفت.

ابزار و روش‌ها: واقعیت فضا در حوزه‌های فلسفه و معماری در ارتباط با تجربه‌ی انسان و مطالعات پدیدارشناسی مطرح می‌شود. فضای درونی شعر حافظ نیز در ارتباط با انسان تجربه می‌شود بنابراین روش تحقیق این پژوهش پدیدارشناسی است. به‌منظور شناخت تجربه‌های انسانی در ارتباط با فضای تغزل حافظ و بازشناخت «مفهوم فضا» این مقاله به خوانش تجربه‌های انسانی گروهی از متخصصین در رشته‌های مختلف پرداخته است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش مفهوم «فضای تغزل حافظ» را در ارتباط پیوسته و تنیده با حضور انسان بدن‌مند (کالبد - ذهن) مطرح می‌کند به‌گونه‌ای که انسان در فضای تغزل و فضای تغزل در وجود انسان معنادار می‌شود. درواقع این فضا در یک رابطه‌ی دیالکتیک چندوجهی (لایه‌های مرئی و نامرئی) خارج از محوریت و تمرکزگرایی بر انسان یا دیگر پدیده‌ها پدیدار می‌شود.

نتیجه‌گیری: درنهایت با توجه به مفاهیم استخراج شده از فضای تغزل شعر حافظ، فضایی میانجی، بدن‌مند و منشوری در یگانگی با حضور انسان مطرح‌شده



شکل ۱. محصولات قالبی و گم‌گشتگی مفهوم فضا در معماری ایران معاصر

در طول تاریخ «فضا» به‌عنوان موجودیتی کمی و کیفی دانسته شده که واقعیت هر اثر هنری در آن بازشناسی می‌شود. در درازنای زمانی گاهی با نگاهی کمی (در چارچوب معیارهای فیزیکی و کالبدی) و گاهی با نگاه کیفی در ارتباط با انسان در بستر محیطی - فرهنگی مطرح‌شده است [۳]. درواقع شروع نگاه کمی به مقوله فضا به تمدن یونان باستان، توسط اقلیدس برمی‌گردد، سپس افلاطون فضا را یک هستی ثابت و از بین نرفتنی شامل پدیده‌ها و رخدادها می‌داند. ارسطو نیز فضا را به ظرفی برای تمام اشیا تعبیر کرد. در دوره رنسانس فضا با تعاریف نیوتن و دکارت به‌صورت ماهیتی سه‌بعدی در پرسپکتیو مطرح گردید. با آغاز تحولات فکری قرن نوزدهم کانت واقعیت فضا را با نگاهی نو (کیفی) در جهان پدیدارها مطرح می‌کند، به‌گونه‌ای که فضا را شرط ذهنی - حسی و یکی از ساختارهای فکری انسان می‌داند که تحت تأثیر آن شهود بیرونی میسر می‌شود به این معنا که انسان هیچ تجربه‌ی حسی خارج از فضا نمی‌تواند داشته باشد [۷]. اما آنچه در سال‌های اخیر در حوزه‌های مختلف از جمله فلسفه و معماری مطرح‌شده واقعیت فضا در ارتباط با تجربه‌ی انسانی و مطالعات پدیدارشناسی گره‌خورده است. جدول (۱) به ارائه‌ی برخی از دیدگاه‌های پدیدارشناسان و اندیشمندان در این خصوص پرداخته است.

امروزه توسعه پیوسته فناوری و نگرش‌های عقلانی-کارکردی برخاسته از دوره‌ی مدرن بیشتر بر سازمان‌دهی فضاهای سه‌بعدی براساس الزامات عددی و بصری پرداخته [۳] که این موضوع موجب افول و رخوت بسیاری از مضامین و گم‌گشتگی تجربه‌های انسانی شده است. درحالی‌که معماری اساساً پدیده‌ای شاعرانه و میان ارتباطی است [۴]. ازاین‌رو در این مقاله بحث و کنکاش در خصوص شناخت ماهیت فضا در میان فلاسفه معاصر در گستره‌ای از روابط متعدد میان پدیده‌های محیطی، فرهنگی در ارتباط با انسان مطرح می‌شود [۵]. پژوهش حاضر جهت بازشناسی مفهوم «فضا» در رابطه میان‌رشته‌ای به سراغ میراث درون‌مرزی و خوانش فضای تغزل شعر حافظ رفته چرا که در ژرفای شعر حافظ معناهای پنهانی نهفته است، به‌طور حتم با بررسی تجربه‌های برخاسته از ارتباط انسان با خوانش شعر به‌تدریج جلوه‌هایی از این معناها پدیدار خواهد شد [۶]. از آنجایی که فضای تغزل شعر حافظ، فضایی درونی و شخصی است که در ارتباط با انسان تجربه می‌شود و با همه‌ی اعصار پیوندی ناگسستنی دارد، موردتوجه این پژوهش قرار گرفته است. شاید از طریق مطالعه گستره‌های ارتباطی نهفته در آن بتوان پاسخی بر این پرسش یافت. مضامین فضای تغزل شعر حافظ در ارتباط با مفهوم فضا در معماری ایران معاصر چیست؟

در این پژوهش به‌منظور بازشناخت مفهوم فضا در رابطه با ادبیات، بازنمایی فضاهای واقعی و انسانی، پیشینه تحقیق در دو بخش شناخت مفهوم فضا براساس تعاریف مطرح‌شده از سوی اندیشمندان رشته‌های مرتبط و تعریف فضای شعر حافظ (فضای تغزل) به مطالعه و بررسی پرداخته است.

جدول ۱. دیدگاه صاحب‌نظران حوزه فلسفه و معماری در خصوص مفهوم فضا، مأخذ: نگارندگان

دیدگاه	نظریه‌پرداز
مرلپونتی منتقد تفکر انسان‌محوری توجه ویژه‌ای به مقوله «پدیدارشناسی فضا» دارد. به اعتقاد او بدن به‌عنوان منشأ آگاهی است. او با طرح روابطی نو میان آگاهی و بدن، جهان و فضا می‌کوشد پدیدارشناسی فضا را مطرح کند [۸، ۹] ازاین‌رو، آغاز ادراک در بدن انسان شروع می‌شود و تجربه‌ی فضا با حضور انسان بدنمند (یگانگی جسم و ذهن) معنا پیدا می‌کند [۳]. ادراک انسان فضا را بوجود می‌آورد که در نظر مرلپونتی این ادراک فعالیت آگاهانه ذهن نیست.	موریس مرلپونتی فیلسوف اگزیستانسیالیست و پدیدارشناس ۱۹۶۸-۱۹۰۸
در سال ۱۹۴۸ با انتشار کتاب «معماری به عنوان فضا؛ چگونه می‌توان به معماری نگاه کرد» بیان می‌کند که معماری هنر ساختن فضاست که باعث می‌شود انسان را در خود جای دهد. او فضا را مؤلفه‌ی اساسی معماری می‌داند و زمان را به عنوان بعد چهارم اثر گذار بر فضا مطرح می‌کند [۱۰].	برنو زوی معمار و نظریه‌پرداز ایتالیایی ۲۰۰۰-۱۹۱۸
در سال ۱۹۴۱ با انتشار کتاب «فضا، زمان و معماری» موضوع زمان را به عنوان بعد چهارم معماری و در ارتباط با ادراک فضا مطرح می‌کند. او نویسنده‌ای است که از جنبه واقعی فضا سخن می‌گوید و تاریخ معماری را وارث مفاهیم فضا می‌داند، او مفهوم فضای معماری را مترادف با ساختن اشکال حجمی با ایجاد گشودگی و شفافیت در میان توده‌ها و ارتباط فضاهای داخلی و خارجی می‌داند [۱۱].	زیگفرد گیدون تاریخ‌نگار و منتقد سوئیسی ۱۹۶۸-۱۸۸۸
در دیدگاه شرق همواره مفهوم فضا به وجود ذهنی انسان توجه می‌کند. این فضا با فضای دنیای طبیعی و آنچه که مورد توجه علوم طبیعی است تفاوت دارد. تعریف فضا در دیدگاه شرق اشاره به کیفیت یک شکل نمی‌کند، بلکه دلالت بر رابطه‌ی دیالکتیکی و وحدت تناقض‌های انسان دارد [۱۲]. بر این اساس نینگن (مفهوم انسان در ژاپن) در فضا نیز ساخته می‌شود چرا که انسان وجودی فضاوار دارد [۱۳].	واتسوجی تسورو پدیدارشناس انسان‌شناس معاصر ژاپنی ۱۸۸۹-۱۹۶۰
آندو در طراحی خود همواره به دنبال مفهوم فضاست، فضای معماری پیش از اینکه با عناصر ماده و حجم ساخته شود، توسط اندیشه‌ی وی ابتدا نوشته می‌شود. معماری از دید او تحت تفکر و دغدغه‌های رایج در گفتمان پدیدارشناسی یک «متن» با کلام ویژه است [۱۴]. او برای بیان فضا از واژه‌ی شینتای (یگانگی روح و جسم) در معنای روابط انسان با جهان هستی کمک می‌گیرد [۱۵].	تادانو آندو معمار و پژوهشگر ژاپنی ۱۹۴۱
بن مایه‌ی فضای معماری را براساس تجربه و احساس تعریف می‌کند. از نگاه او انسان با حضور خود به فضا معنا می‌دهد. فضا در یک فرآیند تجربی براساس تجارب و همزمانی حواس گوناگون شکل می‌گیرد که موجب غنای معماری می‌شود [۱۶]. او معتقد است پیش از اینکه انسان هر آثار هنری را درک کند از نظر عاطفی و ذهنی تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد [۱۷].	پیتر زومتور معمار و نظریه‌پرداز سوئیسی ۱۹۴۳
قضاوت در مورد موجودیت فضا مستلزم ادراک حسی است که فراتر از حواس پنجگانه ارسطویی است و به اهمیت جایگاه بدن انسان جهت ادراک فضا اشاره می‌کند [۱۸].	یوهان پالاسما معمار و استاد انشگاه ۱۹۳۶

با توجه به ادبیات مکتوب و نگرش‌های مختلف در خصوص فضا که مورد بررسی قرار گرفت می‌توان گفت که فضا درواقع منبعث از یک امر درونی و انسانی است که اصل و ذات معماری را تشکیل می‌دهد و در ارتباط با انسان و بستر فرهنگی مطرح می‌گردد. بر اساس پیوند میان انسان، فضا و بستر فرهنگی مطرح‌شده در این ارتباطات «فضای تغزل» به‌عنوان میراثی فرهنگی ایران معاصر در ادامه بحث موردتوجه قرار گرفته است.

تغزل در لغت به معنای غزل‌سرایی کردن، شعر عاشقانه گفتن و عشق ورزی است [۱۹] که در ادبیات کهن بیشتر در پیوند با «غزل» در دو حالت توصیف احوالات و روایت‌های عاشقانه و ساختار هندسی ثابت و متعارف به‌کاررفته است

[۲۰]. از دیرباز در توصیف‌های عاشقانه غزل‌سرایان کهن چون سعدی و مولوی که پیش ازحافظ نیز زیسته‌اند، غزل در دو ساختار هندسه ثابت همراه با کلام عاشقانه یا عارفانه مطرح بوده است. براین اساس سعدی در اوج عشق ورزی در کلام شعر نیم نگاهی به طنز داشته به گونه‌ای که در غزل خود عشقی دوطرفه را بنا می‌کند [۲۱]. مولوی نیز نوعی سخن عشق ورزی همراه با مدح و ستایش که مبنای آسمانی و عرفانی دارد را در فضای تغزل شعرش بکار برده است [۲۲]. حافظ با نگاهی آزادانه و انعطاف پذیر این ساختار هندسی حاکم در فضای غزل را بازخوانی کرده به گونه‌ای که غزل حافظ سخنی ایستا در قالب هندسه‌ای که غزل‌سرایان پیشین او به‌کاربرده‌اند نیست بلکه سخن او سرشار از

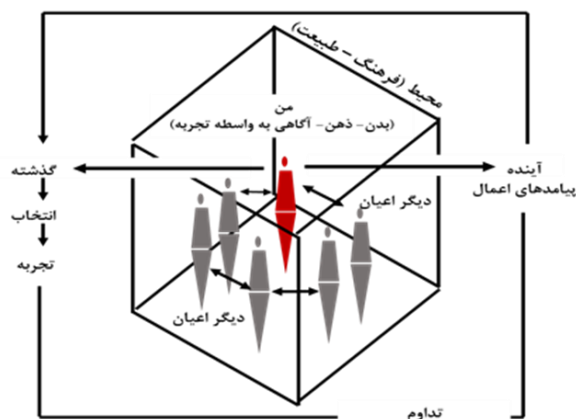
حرکت و انگاره‌های ذهنی پویا است به گونه‌ای که آدمیان در ارتباط با آن، غزل را می‌پیمایند. بنابراین می‌توان گفت غزل حافظ نه تصویر است و نه تصویری از چیزی که بتواند در یک مکان یا زمان خاصی دریافت شود بلکه یک تجربه‌ی زیستن آزادانه است. از این‌رو در این جستار تعریفی که از غزل یا «تغزل» مورد توجه قرار گرفته سخن دینامیکی حاوی عشق (احساس) و خیال است که در روایت شعر ظهور می‌یابد و به دلیل انسجام ادراک درونی (پنهان) و احساسات بیرونی آن در طول زمان توسط مخاطب فهم می‌شود [۲۳].

آدمیان لحظاتی را که در فضای غزل می‌پیمایند در آن روایت عاشقانه سکولار زندگی می‌کنند. درواقع آنچه به عنوان فضای تغزل در این پژوهش مطرح شده، همان فضای درونی شعر حافظ است که بر جان و نفس انسان تأثیر می‌گذارد و توسط انسان تجربه می‌شود.

از آنجایی که معماری نیز یک زبان بومی متعلق به آدمیان است که بر اهمیت تجربه و ارتباط با محیط (انسان در بستر فرهنگی) تأکید دارد بنابراین نباید مستقل از آدمیان و تجربه‌هایشان ارزیابی شود. پیش از این نیز گفته شد واقعیت فضا در مفاهیم معاصر در ارتباط با مطالعات پدیدارشناسی یکی از جریان‌های اصیل فکری قرن بیستم که به منظور کسب آگاهی و شناخت پدیده‌ها در حوزه‌های مختلف فلسفه، هنر و معماری؛ در عرصه‌های مرتبط با تجربه زیسته انسان می‌کوشد، خوانش می‌گردد.

مرلوپونتی پدیدارشناس فرانسوی، بدن انسان را نخستین وسیله‌ی مواجهه با جهان هستی می‌داند و بر این اساس شناخت و فهم فضا را در ارتباط با کنش‌های انسانی از طریق بدن زیسته، فضای زیسته انسانی مطرح می‌کند [۲۴، ۲۵]. نظریه‌ی (تن-آگاه) مرلوپونتی با هدف کشف و کاوش دوباره‌ی جهان و ادراک آن، تأثیر بسزایی در مباحث بنیادی انسان در حوزه‌های هنر، ادبیات و معماری داشته

است. او روایتی از انسان و ادراک حسی با عنوان «پدیدارشناسی ادراک حسی» به معنای فعالیت کل بدن انسان (یکی از پدیده‌ها) در مواجهه با دیگر پدیده‌ها به منظور شناخت و ادراک مطرح می‌کند [۲۶]. درواقع موضوع کشف جهان با حضور بدن انسان (پیوند و یگانگی جسم-ذهن) به عنوان نخستین وسیله برای شناخت و دستیابی به آگاهی اساس نظریه مرلوپونتی است. دراین راستا اصطلاح «شاکله‌های بدن» به این معنا که انسان یک ایزه و سوژه‌ی ایستا نیست بلکه با جهان هستی پیوند خورده است مطرح می‌گردد چرا که به اعتقاد مرلوپونتی هیچ انسانی جدا از جهان هستی و یا دیگر اعیان نیست. درواقع انسان‌ها به معنای «من» یکی از اعیان واقع شده در جهان هستی‌اند که در ارتباط با بستر جغرافیایی خود (محیطی-فرهنگی)، درون خود (خویش‌تن خود)، عادت‌ها و تجربه‌های زیسته‌ی شخصی و دیگر اعیان (دیگر پدیده‌ها و دیگران) رابطه‌ای پیچیده دارد (نمودار ۱). از این‌رو تجربه‌ی «من» از جهان همواره از چشم‌انداز خاصی که در برگیرنده فعالیت کل بدنی و تصاویر ناخودآگاه شخصی است ادراک می‌شود [۲۵]. از آنجایی که ادراک بدنمند در گستره‌ای از ارتباطات مختلف شکل می‌گیرد توسعه‌ی روابط میان‌رشته‌ای در آگاهی حاصله نقش بسزایی می‌تواند داشته باشد. از این‌رو نگرش میان‌رشته‌ای جهت حصول آگاهی همواره مورد توجه مرلوپونتی قرار گرفته است، وی در ادامه‌ی تکمیل نظریه «ادراک حسی» آخرین نظریه‌ی خود «وحدت روابط گسترده مرئی و نامرئی» را پیش از مرگ به منظور توسعه نظریه‌های پیشین پدیدارشناسان در ارتباط دیالکتیک درون و بیرون مطرح می‌کند [۲۷، ۲۸] به اعتقاد وی یکی از وجوه زیسته انسان در مراحل شناخت، ارتباط و پیوند با دنیاهای متضاد و چندگانه (لایه‌های درونی و لایه‌های بیرون) است که تمامی ابعاد وجودی انسان را در برمی‌گیرد.



نمودار ۱. درآمدی بر اندیشه‌ی مرلوپونتی، مأخذ: نگارندگان

اندیشمندان و متخصصین حوزه‌های فلسفه، علوم انسانی، ادبیات و معماری از میان کسانی که در فرآیند زیستن فضای تغزل را با دل و جان تجربه کرده‌اند به‌صورت هدفمند به‌منظور مشارکت‌کنندگان تحقیق انتخاب شدند. سپس از طریق مصاحبه‌های عمیق تجربه‌های انسانی آنان در ارتباط با فضای شعر حافظ و مفاهیم اصلی نهفته در فضای تغزل مورد مطالعه قرار گرفت.

در این مطالعه اطلاعات در دو بخش ۱. مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی ۲. عنایت به تجربه‌های زیست شده‌ی مشارکت‌کنندگان از طریق مصاحبه و گفتگو، جمع‌آوری شد. محقق ابتدا به مطالعه دیدگاه‌های مختلف در خصوص مفهوم فضا پرداخت. سپس توصیفات کلامی مشارکت‌کنندگان به‌صورت نوشتار تفسیر و تحلیل شد و درنهایت در فرآیندی چرخشی نه خطی، مضامین مرتبط با فضای تغزل و ابزارهای ساخت فضای انسانی در معماری معاصر ایران جهت پیرایشگری صحنه‌سازی‌های بصری و سلطه جویانه حاکم در معماری معاصر، توسط محقق پدیدار گردید.

یافته‌ها

خوانش نوعی فعالیت ذهنی- فکری است که مخاطب را وادار به اندیشیدن در لایه‌های مختلف متن (لایه‌های درونی و بیرونی) جهت دریافت شهودی ماهیت فضای تغزل (شعر حافظ) می‌کند. ازاین‌رو، در پژوهش حاضر به‌منظور شناخت فضای شعر حافظ در ارتباط با انسان در یک فرآیند متفکرانه

شعر حافظ به‌عنوان پدیده‌ای محلی در تمامی اعصار در اعماق و سرشت آدمیان رسوخ کرده، به‌گونه‌ای که حضور همیشگی آن در گوشه گوشه زندگی ایرانیان قابل‌رؤیت و تأمل است. این موضوع دلالت بر ارتباطی مداوم و ناخودآگاه میان انسان و فضای تغزل حافظ در این جهان هستی به معنای زیستن در فضای شعر حافظ دارد. بر اساس نگرش میان‌رشته‌ای مرلوپونتی و ارتباط پیوسته و مداوم بدن انسان با جهان هستی زیسته‌اش به‌منظور ادراک ماهیت فضا و بازشناخت مفهوم فضا، فضای شعر حافظ (تغزل) به‌عنوان پدیده‌ای همواره در ارتباط با تجربه‌ی انسان ایرانی قابل‌تأمل و بررسی است.

مواد و روش‌ها

همان‌طور که گفته شد در مطالعات اخیر واقعیت فضا در جغرافیای انسانی در ارتباط با «تجربه‌ی انسان» مطرح شده است، ناکارآمدی شیوه‌های کمی در مباحث مرتبط با انسان موجب شده است که در این تحقیق شیوه‌ی کیفی به‌کار گرفته شود [۲۹]. پدیدارشناسی یکی از روش‌های مناسب و پرکاربرد در پژوهش‌های کیفی و مطالعات نظری مربوط به فلسفه معماری است [۳۰]. در این مقاله به‌منظور شناخت مضامین فضای تغزل در ارتباط با حضور انسان و تجربه‌ی فضای شعر حافظ به‌عنوان روش تحقیق مدنظر قرار گرفته است. از آنجایی که در این نوع پژوهش محقق به دنبال حل موضوع یا اثبات فرضیه نیست و پژوهش بر اساس مطالعه و بررسی تجربه‌های زیسته انسانی است هشت نفر از میان

به صورت هدفمند به سراغ مشارکت کنندگان تحقیق رفته و با انجام مصاحبه های نیمه ساختاریافته توصیفات شخصی افراد در ارتباط با فضای شعر حافظ بررسی شد. در جدول

جدول ۲. یافته های استخراج شده در خصوص تجربه ی فضای شعر حافظ، مأخذ: نگارندگان.

مباحثه ها	توصیف فضای شعر حافظ
مشارکت کننده (۱) پژوهشگر هنر و فلسفه	به کارگیری مفهوم هم زمانی به معنای ناپایداری و تغییر زاویه دید، نقض مفاهیم کلیشه ای فضای دوبعدی و سه بعدی (ساختار شکنی).
مشارکت کننده (۲) پژوهشگر و مترجم علوم انسانی	ساختار شکنی در هندسه غزل، برخلاف غزل فارسی که یک فرم بسته دارد فضای تغزل حافظ فرمی باز و گشوده دارد (تنوع در فرم و حس زیباشناسی در متن). شعر با مسائل مختلف با شوخی برخورد می کند بنابراین سرشت بازیگوشی دارد.
مشارکت کننده (۳) پژوهشگر و نویسنده ادبیات و علوم انسانی	غزلی بی پایان و آزاد است که با برانگیختن احساسات متناقض (غم و شادی) و ایجاد ناپایداری های معنای واژگان به بازی احتمالات بی پایان می پردازد.
مشارکت کننده (۴) مدرس، پژوهشگر، زبان شناس	غزل یعنی موسیقی و سمفونی متن، روایت با شوق مهارت موسیقائی حافظ، واج آرایی یا هم آوایی و هم نوایی (خوش کنار هم نشستن واژگان) در متن است. او بیش از هر شاعر دیگر ازواج آرائی (آغاز چند کلمه متوالی با چند حرف، یا کاربرد مکرر یک حرف در یک عبارت یا در مصراع) بهره برده است. خیال خال تو با خود به خاک خواهیم برد که تا ز خال تو خاکم شود عبیر آمیز
مشارکت کننده (۵) مدرس، پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی	فقدان انسجام ظاهری در غزل حافظ به دلیل استفاده و کاربرد گزاره های نا آشنا و خارج از عرف در متن شعر تغزل حافظ به معنای فضای اندیشه در ذهن که منجر به ابداع ارزش های وارونه شده است.
مشارکت کننده (۶) مدرس، پژوهشگر ادبیات فارسی	هندسه آشکار متن (کلام تند، انقلابی و طنز) که در نگاه اول ظاهر پریشانی را برای شعر به وجود آورده است. هندسه پنهان متن گذرگاه های ذهنی انسان و اندیشه ی باز آفرین حافظ (مؤلف اثر) است که انسجام باطنی برای متن به وجود آورده است.
مشارکت کننده (۷) معمار، ادیب و هنرمند	فضای شعر حافظ به واسطه ی قریحه شاعرانگی و کاربرد دوگانگی های متعدد موجب برانگیخته شدن حس های ظاهری و باطنی مخاطب اثر شده چراکه اتمسفر متن دارای بازی های متعدد و متنوع حسی است.
مشارکت کننده (۸) مدرس، پژوهشگر فلسفه و هنر	به کارگیری تقابل های دوتایی در متن موجب شده هیچ واژه و معنایی بر دیگری برتری نداشته باشد (ارزش ها و معانی فرو کاسته شده). لذا فضای شعر حافظ گرانیکاه یگانه ای ندارد و هر کسی برداشت های شخصی و منحصر به فردی از فضای شعر دارد.

و جوه متمایز آشکار و پنهان به وجود آورده است. به گونه ای که نمی توان استدلال ثابت و پایداری را برای فضای شعر وی تعریف کرد چراکه عرصه ی شعر حافظ سرشار از تقابل های چندگانه (چندوجهی) است که ایجاد تزلزل و ناپایداری در مفاهیم پایدار و رهایی انسان در کسب تجربه های متنوع می کند. برای تحقق این موضوع حافظ به عنوان مؤلف شعر از ابزارهای گوناگونی بهره گرفته است (جدول ۳). بر اساس تحلیل یافته ها در خصوص ارتباط حافظ (مؤلف)، متن و مخاطب که این رابطه در فضایی دیالکتیک رخ می دهد، می توان پی برد که انسان با حضور خود در متن و از طریق تجربه شخصی برداشت های متفاوتی داشته است. وی به خوبی توانسته با بازی های فرمی و پیوند

پیش از این گفته شد که «تغزل» در لغت به معنای «عشق ورزیدن» است و «غزل» نیز به گونه ای از ساختار هندسی ثابت شعر گفته می شود که مورد توجه غزل سرایان در دو ساختار کلی غزل عاشقانه و غزل عارفانه (دارای پارادیم های قدسی و الهادی) قرار گرفته است. حافظ در این میان با برقراری پیوند میان این دو مفهوم «تغزل» و «غزل» با نگاهی سکولار و ساختار شکنانه قواعد و نظام های به کار رفته شده در ساختار ایستای هندسی شعر، مفهوم غزل را به هم می زند و با استفاده از قریحه شاعرانگی و حس موسیقائی مفهوم «عشق ورزیدن» را در روایت های متعدد (هزاران لایه ی تو در تو) به کار می گیرد. در واقع حافظ تحت نگرشی پارادوکسیکال و اندیشه ی متناقض فضای شعر خود را در

میان پدیده های متعدد وحدت درونی (نظم یا هندسه پنهان) ایجاد کند. چراکه در ابتدای مواجهه مخاطب با شعر حافظ با نوعی پریشانی ظاهری و تزلزل به دلیل تکثر روابط میان پدیده ها روبرو می شود. از این رو می توان گفت فضای شعر حافظ سرشار از لایه های متعدد و تو در تویی «به صورت لایه های مرئی و نامرئی» است که انسان را با خود درگیر می کند. بر اساس نظریه «بدنمند» و رابطه دیالکتیک «مرئی و

نامرئی» موریس مرلوپونتی، بدن انسان در تمامی ابعاد زندگی خود گستره ای از تقابل های چند سویه و متضاد را تجربه می کند که وحدت روابط گسترده (مرئی و نامرئی) میان حس و احساس، لمس، بینایی، جسم، جهان هستی، خود و خویشتن (درون انسان) و ... را به همراه خواهد داشت.

جدول ۳. خوانش مضامین فضای تغزل تألیف شده ی حافظ در ارتباط با مخاطب، مأخذ: نگارندگان.

مضامین استخراج شده از فضای تغزل شعر حافظ	ابزارهای به کار رفته در شعر حافظ	تأثیر تجربه ی فضای تغزل بر انسان (در یک رابطه دیالکتیک) پیوند	مضامین معماری
	توسط حافظ (مؤلف اثر)	جسم - ذهن - روح (بدنمندی)	پیوند روحی غنی میان معمار ایرانی و ادبیات
	• همزمانی و ساختارشکنی بصری • تنوع احساسات و بروز احساسات متناقض • (حس های آشکار و پنهان) • موسیقی و سمفونی متن	• تغییر زاویه دید و ایجاد افق های فکری جدید • آشنایی با حس های ظاهری و باطنی (شناخت چند وجهی حواس انسانی) • خودشناسی • ادراک حسی و عاطفی • روایت شوق و برانگیخته شدن حواس متنوع	• ایجاد پرسپکتیوهای متنوع • معماری چند حسی • معماری چند لایه • روایت پردازی در معماری (لایه های تو در تو)
	• بیان (زبان طنز انقلابی - زبان انتقاد) • ساختارشکنی معنایی و ارزش های واژگان	• چالش ذهن و ایجاد حادثه ای آنی • ساختارشکنی، تغییر و وارونگی ارزش های واژگان و باورهای برتر (فروکاستن ارزش ها) • پذیرش نقد و اصلاح نهادهای اجتماعی و بت های برساخته از باورها و ارزش های ساختگی • زایش درونی	• پالایش ارزش ها و باورهای ساخته شده • پی بردن به ناپایداری مفاهیم و ارزش ها که موجب فروکاست نگرش های سلطه جویانه می شود • کاهش خودنمایی های برخاسته شده از نگاه محورگرایی در سیمای شهری
	• تقابل های چندگانه • آمیزش و ترکیب تضادها (نگاه پارادوکسیکال)	• برقراری پیوند میان پدیده های مختلف متناقض و متضاد • وحدت پنهان (انسجام و ایجاد هندسه پنهان) در میان چند صدایی های پدیده های مختلف	• انسجام شاعرانگی در سیمای شهر (شعر مجسم) • به معنای پیوند و یگانگی سیمای شهری • کاهش مضامین سلطه جویانه بصری

فضای شعر حافظ با حضور انسان و تجربه ی بدنمند به معنای یگانگی لایه های فیزیکی و ذهنی انسان و متن شعر حافظ «فضای تغزل حافظ» است، بنابراین این فضای چند وجهی (منشوری) در رابطه چندگانه انسان، متن و اندیشه ی حافظ پدیدار می شود (نمودار ۲).

تغزل حافظ در یک رابطه ی دیالکتیکی (گفتمان پدیدارشناختی) میان وحدت تناقض هاست که ریشه در انسان دارد به این معنا که ظهور فضای تغزل در حضور رابطه ی گفتمانی چند سویه انسان تعریف می شود.



نمودار ۲. شکل گیری فضای تغزل در روابطی گفتمانی بر اساس تحلیل یافته ها، مأخذ نگارندگان

بحث و نتیجه گیری

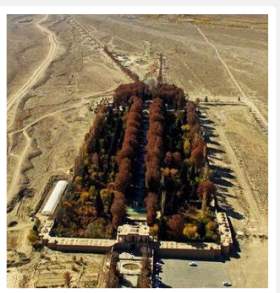
به طور حتم تجربه و زیستن هر آدمی همراه با تصاویری است که به صورت مرئی و نامرئی در ذهن و جسم نقش می بندد. این ارتباط گفتمانی - دیالکتیکی در فضای تغزل میان مؤلف (حافظ) متن (شعر حافظ) و انسان (مخاطب) دارای لایه های متعددی همراه با تصویرسازی های درونی (نامرئی) و بیرونی (مرئی) است.

خوانش فضای تغزل در ارتباط با مفهوم فضا در معماری از این رو قابل تأمل و بررسی بوده که به واسطه صحنه سازی های افراطی در سیمای شهرهای ایران معاصر یا ساخت معماری قالبی فاقد مضامین انسانی و امکان تجربه کردن، گفتمان و برقراری ارتباطات چندگانه را از انسان

سلب کرده است. گم گشتگی مفهوم فضا در معماری معاصر انسان را در میان ناهمگونی های فرمی به جای پیوند و یگانگی پدیده های مختلف قرار داده که به واسطه بمباران های تصویری نه تنها به او فرصت ادراک و تجربه کردن فضا را به صورت آزادانه نداده است بلکه او را در انباشتگی های متعدد سرگردان کرده است. درحالی که از سوی دیگر با نگاه به جوهره فضا در معماری گذشته ایران پیوند قریحه شاعرانگی و وام داری از این میراث ملی مشهود و آشکار است. به گونه ای که با ایجاد یگانگی میان انسان و فضا امکان تجربه و برداشت های شخصی را به صورت بدنمند (یگانگی جسم و روح) به وجود آورده است. جدول (۴) نقش میانجی فضای تغزل جهت بازشناخت مضامین اصلی فضا را به صورت تحلیلی نشان داده است.

جدول ۴. نقش میانجی فضای تغزل جهت بازشناخت مضامین فضا در معماری ایران، مأخذ: نگارندگان

گم گشتگی ماهیت فضا در معماری معاصر ایران			
	• ساخت آبرهای بصری • سلطه جویی در صحنه سازی های کالبدی • عدم تعالی روح انسانی در فضا • حضور انسان تنها به واسطه رفع نیازهای جسمانی		
هژمونی تصاویر و خودنمایی		ظهور محصولات قالبی ناهمگونی فرم ها در بستر محیطی به جای پیوند و یگانگی میان پدیده ها	
• قطع رابطه دنیای درون و برون و ایجاد گستره ای از ارتباطات • عدم پیوند میان لایه های مرئی و نامرئی در شکل گیری فضا			• فقدان پیوند و یگانگی میان هندسه آشکار و پنهان • عدم ترکیب و یگانگی میان پدیده های متضاد و متنافر • فقدان تجربه های انسانی
	مجتمع زیتون شیراز	مجتمع خلیج فارس شیراز	
فضای تغزل شعر حافظ (نقش میانجی)؛ فضایی چند وجهی که در یگانگی با حضور انسان (بدنمندی) مطرح می شود که در رابطه ای دیالکتیکی و گفتمانی میان پدیده های مختلف شکل می گیرد. فضا وجودی انسان وار و انسان وجودی فضاوار دارد چرا که حافظ با فروکاستن ارزش ها و باورهای بصری و آشکار و فروکاسته شدن خودنمایی مؤلف و اثر (متن) موجب شکل گیری این گفتمان شده است.			
ماهیت شکل گیری فضا در معماری گذشته ایران			
	پیوند میان لایه های مرئی و نامرئی انسجام و یگانگی پدیده های مختلف هندسه پنهان و آشکار برانگیخته شدن حواس متنوع		
چهل ستون اصفهان		خانه طباطبایی کاشان	

• تجلی فضاهای تهی بدون عملکردهای فیزیکی • (برداشت‌های آزادانه انسانی از فضا)	 تیمچه امین الدوله	 باغ شاهزاده ماهان	• پیوند میان تقابل‌های دو گانه و متضاد • غافلگیری در ایجاد حس‌های انسانی متضاد • پیوند چند صدایی • ساختارشکنی و آشنازدائی
---	--	---	--

مرحله چهارم: دریافت‌های شهودی انسان در تجربه‌های متعدد و متنوع که از این طریق انسان به‌نوعی ادراک، بیداری و آگاهی دست می‌یابد.

فضایی که در این گستره‌ی ارتباطی درون انسان بدنمند پدیدار می‌شود دائماً در حال تغییر است و این تغییرهای مداوم است که منجر به مانایی فضا و اشتیاق به ماندگاری حضور انسان می‌شود. از آنجایی که این فضا در یک فرآیند دیالکتیکی شکل گرفته است و دارای لایه‌های شهودی بسیاری است موجب تقلیل صحنه‌سازی‌های بصری، سلطه‌جویی تصاویر بی‌پایان برخاسته شده از تکنولوژی، فناوری و تعاریف حاکم حول انسان مدرن در معماری می‌شود. چرا که در فضای تغزل شعر حافظ هیچ پدیده‌ای در نقطه کانونی شاخص و تأثیرگذار قرار نگرفته است.

شایان ذکر است تمرکزگرایی حاکم در معماری امروز یکی از دلایل فقر تجربه‌های انسانی و رخوت انسان در فضاهای معماری و شهری معاصر ایران شده است. براساس شناخت فضای تغزل حافظ می‌توان متوجه شد شاعر به دلیل تقلیل کانون‌گرایی پدیده‌های مختلف (محورگرایی پدیده‌ای شاخص) و بهره‌گیری از نگرش مرکزگرای (چندوجهی) در فضای شعر خود توانسته است در ایجاد این ارتباط دیالکتیکی پدیدارشناسانه موفق گردد.

با توجه به مفاهیم بیان شده از فضای شعر حافظ به‌عنوان فضای میانجی، بدنمند و منشوری (چند وجهی) در نهایت می‌توان گفت از طریق ایجاد وارونگی مفاهیم، ساختارشکنی هندسه پایدار و قانونمند (یگانگی هندسه پنهان و آشکار)، ساختارشکنی‌های مداوم در معناها و تغییر افق‌های دید ثابت

نتایج این پژوهش حاکی از آن است که «فضای تغزل شعر حافظ» با حضور انسان در رابطه با انسان – متن شعر و اندیشه‌ی حافظ (مؤلف) در میان لایه‌های متعدد پنهان و آشکار تعریف می‌شود. درواقع این فضای تغزل فضایی میانجی و مولد انسان است که موجودیت بدنمند به معنای یگانگی روح، جسم و احساس را دارد و در یک فرآیند زیست‌شده‌ی انسانی توسط انسان احساس، ادراک و تجربه می‌شود، سپس آگاهی پدیدار می‌شود. از آنجایی که این فضا بر اساس ساختارشکنی مفاهیم پایدار و ثابت (چه در ساختار هندسی چه در ساختار باورهای ذهنی)، خارج از محوریت (تأکید بر انسان) یا پدیده‌ی دیگری نمایان می‌شود چندوجهی (مملو از لایه‌های متعدد عاطفی، ادراکی و تجربی) است. درواقع در این ارتباطات پیوسته پیوند میان انسان و فضا به‌عنوان دو پدیده‌ی به هم تنیده شده مطرح است به‌گونه‌ای که انسان در فضای تغزل و فضای تغزل در وجود انسان معنادار شده است. نمودار (۳) مدل چگونگی شکل‌گیری فضای تغزل در انسان بدنمند را در مراحل زیر نشان می‌دهد:

مرحله اول: تولد لایه‌های آشکار و پنهان فضا با حضور انسان و یگانگی لایه‌های جسمی و ذهنی وی در ارتباط با فضا

مرحله دوم: درگیر شدن لایه‌های ذهنی و جسمی انسان از طریق برانگیخته شدن حواس متناقض (لایه‌های احساسی انسان)

مرحله سوم: ترغیب حرکت فیزیکی – احساسی و ذهنی (خیالی) انسان در لایه‌های مختلف فضا

که این موضوع شکل‌گیری فضای تغزل می‌تواند در شکل‌گیری سیمای شهری منسجم شاعرانه معماری معاصر ایران بازتاب نماید. بدین‌سان درواقع توجه به تجربه‌های زیست شده انسان ایرانی بدنمند (یگانگی بدن، احساس، ادراک و ...) در پیوندی میانجی میان معماری و سیمای شهری، مولد اصلی فضایی انسانی و منسجم است.

و عرف (آشنائیدانی)، پیوند و ایجاد یگانگی میان پدیده‌های متفاوت (نظم پنهان)، برانگیخته شدن احساسات انسانی چندوجهی و متناقض، موجب ایجاد نوعی شوق، رهایی و مانایی حضور انسان در فضا به‌منظور کسب تجربه‌های مداوم و متمایز می‌شود. چراکه با هر بار تجربه و حضور انسان، فضایی منحصربه‌فرد در ارتباطی دیالکتیک چه در لایه‌های بیرونی انسان و چه در لایه‌های درونی فردی، پدیدار می‌گردد



13. McCarthy, E. The Space of The Self: An analysis of The Notion of Subjective Spatiality in The Philosophy of Watsuji Tetsuro. The Paideia Archive: Twentieth Word Congress of Philosophy. 1998; 15: 26-32. <https://doi.org/10.5840/wcp20-paideia199815300>
14. Shirazi, M. An Investigation on Tadao Ando's Phenomenological Reflections. Armanshahr Architecture & Urban Development. 2012 Aug 4; 4(8): 21-31. http://www.armanshahrjournal.com/article_32694.html
15. Soni, A. K. & YR, B. A. I. Understanding The Poetic of Architecture. Guru Gobind Singh Indraprastha University, University School of Architecture and Planning, Kashmere Gate, New Delhi. 12, 2010. <https://academia.edu/resource/work/1334331>
16. Kim, J. S. A Study on the Sensory Experience Space Connected to Light, Material and Five Senses in The Therme Vals of Peter Zumthor, Journal of the Architectural Institute of Korea. 2020 Jul 30; 36 (7): 47-56. <https://doi.org/10.5659/JAIK.2020.36.7.47>
17. Zumthor, P. Phenomenological Approach in The Thought of Peter Zumthor. (Translated by Nikfetrat M. and Mirgozar Langroudi S. Persian). Tehran: elm-e memar. 2015. [Persian]
18. Pallasmaa, J. Space, Place and Atmosphere. Emotion and Peripheral Perception in Architectural experience. Lebenswelt. Aesthetics and Philosophy of Experience. 2014 Jul; (4): 230-245. DOI:10.13130/2240-9599/4202
19. Moein, M. Persian Dictionary. Tehran: Amir Kabir, vol. 1. 1106, 1985. [Persian]
20. Modarresi, F. Mehravar Giglou, G. A Review on the Modern Romantic Lyricism and its Follower Poets. Journal of Lyrical Literature Researches. 2017 Apr; 12(25): 117-132. [Persian] DOI:10.22111/JLLR.2016.2322
21. Akbarpour, A. The Paradox of Humor and lyricism. Saadiology. 2019 Spiring; 7: 116-124. [Persian]
4. Pallasmaa, J. Architecture as Experience: The Fusion of the World and the Self. Architectural Research in Finland. 2018 Jul 2; 2(1): 9-17. Available in <https://journal.fi/architecturalresearchfinland/article/view/73188>
5. Cho, J. S. A Study on the Experiential Space Concept and the Expression Method in Contemporary Architectural Space - Ando Tadao and Peter Zumthor, Journal of The Architectural Institute of Korea Planning & Design. 2017 Apr 30; 33(4): 21-30. DOI:10.5659/JAIK_PD.2017.33.4.21
6. Amini, M. R. Some Incidents of Imperceptible Artistic Devices in the Poetry of Sa'di and Hafez, Analyzed from a Functionalistic View. Journal of Poetry Studies (Boostan Adab). 2022 Aug 8; 14(1), 23-48. [Persian] DOI: 10.22099/JBA.2021.40603.4035
7. Moaazami, M. The Instructor's Interpretation of Space and Its Influence on Architectural Education, Honar - ha - ye - Ziba-Memari-Va-Shahrsazi, 2012 Jan; 48: 57-68. [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22286020.1390.3.4.5.5>
8. Shengli, L. I. U. "Merleau-Ponty's Phenomenology of Space". In The 3rd BESETO Conference of Philosophy. Session, 2009; 5: 138. https://utcp.c.u-tokyo.ac.jp/events/pdf/025_Liu_Shengli_3rd_BESETO.pdf
9. Goldman, A. Merleau-Ponty and an Ethics of Space. Research in Phenomenology. 2007; 37 (1): 125-135. DOI:10.1163/156916407x169852
10. Zevi, B. Architecture as Space; How to look at Architecture. (Translated by Garman F.). Tehran: Shahidi, 2018. [Persian]
11. Eisenman, p. Iturbe, E. Lateness (Translated by Nikfetrat M. and Eshghi Sanati H Persian). Tehrah: Ketab-e Fekr-e Now. 2020. [Persian]
12. Mostaghni, A. The concept of space in The View of Vatsuji Tetsuro, Khayal (Academy of Arts) 2004 Jun; 9: 86-95. [Persian] <http://ensani.ir/fa/article/226273>

22. Daneshpajouh, M. Masnavi and Ghazal Two Arenas for Manifestation of Persian Poetry and Moulana's Mastery in These Two Realms, *The Journal of Epic Literature*. 2010; 6(9): 463-471. [Persian]
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23225793.1389.6.9.27.7>
23. Abdullahi, M. Vertical Connection and Semantic Coherence in Hafez's Sonnets, *Social Sciences and Humanities*. 2005; 22(3): 124-134. [Persian]
<https://www.magiran.com/paper/487917>
24. Moya, P. Habit and Embodiment in Merleau-Ponty. *Front. Hum. Neurosci.* 2014 Jul 25; 8:542.
<https://doi.org/10.3389/fnhum.2014.00542>
25. Hale, J. Merleau-Ponty for Architects. London; New York: Routledge, Taylor & Francis Group. 2017 (pp.5-48).
<https://doi.org/10.4324/9781315645438>
26. Merleau-Ponty, M. *The World of Perception*. (Translated by Jaberolansar F.). Tehran: Qoqnoos. 14, 2010. [Persian]
27. Merleau-Ponty, M. *The Visible and The Invisible: Followed by Working Notes*. Evanston: Northwestern University Press. 1968 (pp.50-105).
28. Nitsche, M. The Invisible and the Hidden within the Phenomenological Situation of Appearing. *Open Theology* 2020; 6: 547–556. <https://doi.org/10.1515/opth-2020-0128>
29. Boudlaie, H. *Phenomenological Research Methods*. Tehran: Jameshenasan, 2016. [Persian]
30. Panjtani, M., Mansourian, J. and Mobini, M. Phenomenology of The Aesthetic Experience of Place: Case Study Naqsh-e-Jahan Square. *Journal of Philosophical Investigations*, 2017 Aug; 11(20): 23-60. [Persian]
https://philosophy.tabrizu.ac.ir/article_6456.html